



● در عالم اسلام همواره زنان شایسته و متعهدی وجود داشته‌اند که در عرصه‌های مختلف فرهنگ و ادب و در جبهه‌های ایثار و تلاش منشاء آثار و برکات فراوانی بوده‌اند.

با تکیه بر قرآن کریم و سنت نبوی (ص) و سیره معصومین (ع)، ارج نهادن به زنان و ادای حقوق طایفه نسوان همواره موجب رشد و پیشرفت زنان مسلمان در جامعه اسلامی بوده و هست. نمونه والای این زنان شایسته و والامقام در تاریخ اسلام شخصیت‌های ارجمندی مانند حضرت خدیجه، حضرت فاطمه زهرا، زینب کبری و سکینه بنت الحسین (ع) جمیعاً سلام الله علیها می‌باشند.

در مقاطع مختلف تاریخ اسلام نیز زنان فداکار، عالم و متقی فراوانی وجود داشته‌اند که در عین کار و تلاش و تربیت صحیح نفس خویش و دیگران، از رعایت جزئی‌ترین مسائل اخلاقی غفلت نورزیده و در عین حال تربیت مردان شایسته روزگار را به عهده داشته و مربی لایق و ارزشمندی برای جامعه بوده‌اند. در تاریخ اسلام به خصوص در مذهب شیعه نمونه‌های بسیاری از این قبیل بانوان به چشم می‌خورد که از جمله آنها می‌توان به مادر سید رضی و سید مرتضی علم‌الهدی، دختر شیخ طوسی و نیز دختر ملا محمدتقی مجلسی یعنی آمنه بیگم و اشاره نمود.

اگر چه در دوران شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، زنان شایسته جامعه ما که برخوردار از تربیت صحیح و صاحب ارزشها و معیارهای اسلامی بوده‌اند به شایستگی توانستند قدر و منزلت زن مسلمان را به جهانیان نشان دهند و گذشت، ایثار و تقوای مادران و همسران شهدای گرانقدر به ویژه در دوران جنگ تحمیلی نمونه بارز این مدعاست، با این حال بزرگداشت و تجلیل از زنان نمونه مکتب اسلام، وظیفه‌ای است که باید همواره در انجام آن کوشید. از این رو بجاست یکی از اسوه‌های عالیقدر جامعه که از مراتب علمی و عملی والا برخوردار و به حق از مفاخر نسوان دنیای اسلام است و معرفی نمائیم و خاطره آن استوانه علم و تقوا را ارج نهیم.

این بانوی بزرگوار و متواضع مجتهده سیده نصرت امین است که مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای مدظله العالی

بانوی اصفهانی

● گذری بر حسیات پر بار بانوی مجتهده
حجة الاسلام والمسلمین سیده نصرت امین

محمد حسین ریاحی *



است: «حاجیه خانم سیده نصرت بیگم امین (معروف به بانوی ایرانی) در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی در اصفهان متولد شد پدر ایشان حاج سید محمد علی امین‌التجار اصفهانی، فردی مومن و سخاوتمند و مادرشان بانویی بسیار شریف، متعبد و خیرخواه بود که خداوند پس از سه فرزند پسر، این دختر را به ایشان عطا می‌دارد. مادر با روشن بینی در چهارسالگی فرزند را برای آموزش قرآن و فراگیری خواندن و نوشتن به مکتب می‌فرستد، در حالی که فضای حاکم بر آن ایام به گونه‌ای بود که کمتر خانواده‌ای به خود اجازه می‌داد دخترش را برای کسب دانش به مکتب یا مدرسه بفرستد و چه بسیار والدینی که آموزش و آشنایی با خط و نوشتن را برای دختران خود جایز نمی‌دانستند.»^۳

در حقیقت عظمت کار این بانو و تلاشهای مستمر وی در آن زمان بسیار در خور توجه است البته ایشان به دلیل اینکه اوقات زندگی‌شان به فراگیری درس و علم می‌گذشت بیشتر در خانه بودند و کمتر از خانه خارج می‌شدند. ولی در ایامی که لازم می‌دیدند باید دفاعی صورت بگیرد و کاری انجام شود از منزل خارج می‌شدند و به تدریس و راهنمایی بانوان می‌پرداختند.

«از دوران قاجار که بگذریم دوره رضاخان تقریباً مقارن



درباره اهمیت بزرگداشت ایشان فرموده‌اند: «تجلیل از این بانوی بزرگوار اصفهانی (خانم امین) و ارائه شخصیت عرفانی و فقهی و فلسفی برجسته یک زن در کشور ما، کاری سودمند و در جهت احیای ارزش‌های اسلامی در زنان به نظر می‌رسد.»^۱ و به راستی شخصیت علمی و تقوایی این عالم ربانی خود حجتی است بر این که زنان متعهد جامعه اسلامی می‌توانند با طی مدارج عالی علم و معرفت، خود را از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنائی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان همواره تحمیل کرده است، برهانند و وجودشان منشاء خدمات عظیم و ارزشمند علمی و فرهنگی قرار گیرد.

استاد دانشمند محمدتقی جعفری مقام علمی و عملی این بانو را چنین توصیف نموده است: «با توجه به آثار قلمی که از این خانم در دسترس ما قرار گرفته، به طور قطع می‌توان ایشان را از علمای برجسته عالم تشیع معرفی نمود و روش علمی ایشان هم کاملاً قابل مقایسه با سایر دانشمندان بوده، بلکه با نظر به مقامات عالیه روحی ایشان باید ایشان را از گروه نخبه‌ای از دانشمندان به شمار آورد که به اضافه فراگیرتن دانش به تولد جدید در زندگی نائل می‌شوند.»^۲

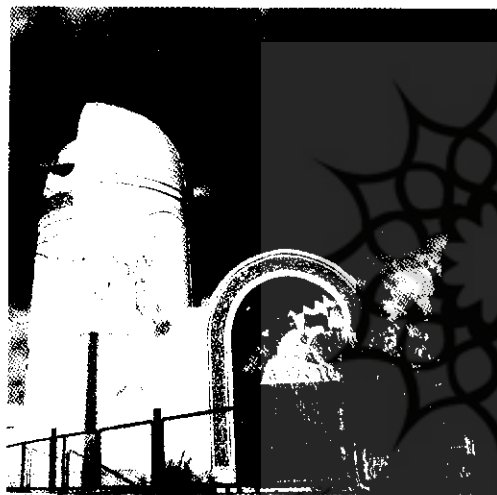
درباره آغاز زندگی و شروع به تحصیل این بانو آمده

■ تجلیل از این بانوی بزرگوار اصفهانی و ارائه شخصیت عرفانی و فقهی و فلسفی برجسته یک زن در کشور ما، کاری سودمند و در جهت احیای ارزش‌های اسلامی در زنان به نظر می‌رسد.



این مورد آمده است: «در پرتو معتقدات دینی، معنوی و قلبی خویش که در ارتباط با منبع فیض الهی بود رشد یافت و این بانوی عارف ربانی همان طوری که در کتاب نفیس «نفحات الرحمانیه» - که به زبان عربی نگارش یافته - معترفند، به مبدأ اقیانوس الهی آن طور وابسته بود که نغمات ملکوتی گلها و ریاحین را به گوش جان می شنید و تا سن چهل سالگی دوران تهذیب و ریاضت و تحصیل ایشان بوده و پس از آن مراحل ترقی و کمال را طی نمودند.»^۶

بانو امین پس از آن که صرف، نحو، بلاغت، تفسیر، حدیث، فقه، اصول و فلسفه را آموخت، به مطالعات خود در



سطوح عالیّه ادامه داد تا به درجه اجتهاد رسید. حدیث وی در امر تحصیل به حدی بود که می فرمود: «هیچ چیز نمی تواند کلاس درس را تعطیل کند، حتی مرگ فرزندی.» یکی از اساتید بانو امین، مرحوم آیه الله حاج میر سید علی نجف آبادی نقل کرده است: «روزی شنیدم فرزند ایشان فوت شده است، فکر کردم خانم دیگر درس را تعطیل خواهد کرد، ولی برعکس دو روز بعد کسی را به سراغم فرستاد که برای تدریس به منزل ایشان بروم و من از این علاقه ایشان به درس و تحصیل، سخت تعجب کردم.»

دوران سخت حاکمیت، که دیکتاتوری رضاخانی برای زدودن ارزشهای اسلامی و احکام قرآنی قد علم نموده بود این بانوی بزرگوار در عین تحصیل و تدریس به دفاع از معیارها و موازین شرعی پرداخت. سال ۱۳۱۰ مقدمه کشف حجاب بود و سال ۱۳۱۱ کنگره زنان شرق که دولت آبادی در آن شرکت داشت برگزار شد و بعد کشف حجاب به طور رسمی صورت گرفت. می گویند در همین موقع بود که خانم امین کتاب «روش خوشبختی» را نوشته در جایی از آن با ذکر این که «همانگونه که اگر عضوی از اعضای بدن به بیماری مبتلا شود سایر اعضاء سالم نمی ماند» این تأثیرپذیری را متذکر می شوند. در این کتاب آمده است که اگر زنان یک جامعه - که از ارکان آن هستند - فاسد بشوند جامعه ای را به فساد می کشند، مخصوصاً اگر فساد یا گناهشان علنی باشد. ایشان می فرمایند: «ای بانویی که با ادعای مسلمانی کشف حجاب نموده ای! و با این وضعیت شرم آور علنی در معابر و خیابانها خودآرایی می نمایی! آیا فکر نمی کنی که با این عمل که شاید آن را عمل کوچکی بینداری، چه لطمه بزرگی به شریعت می زنی؟ ای بانوی اروپایی منش! این گناه را کوچک مشمار و اگر واقعاً مسلمانی این طریق مسلمانی نیست. اگر عقیده به تعلیمات اسلامی نداری بی دینی خود را اعلام کن که عمل قبیح تو باعث جرأت دیگران نشود و اگر علاقه مند به شریعت نیستی، دشمنی چرا؟ پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - با صنف زن بد نکرده، در زمانی که زن ها در جامعه هیچ ارزشی نداشتند برای زن حقوق قائل شده و زن را در تمام شؤون اجتماعی ردیف مردها قرار داده است. از این جاست که ایشان در شرایطی که دفاع از حق زن را - آن هم فقط در بعضی از موارد - یک امر غربی می دانستند به دفاع از حقوق زنان می پرداختند. خانم امین حتی قبل از علامه طباطبایی و استاد مطهری - اعلی الله مقامهما الشریف - این مطلب را بیان کردند.»^۵ و خود نیز غرق در معارف معنوی گردیده بود و با توجه به سیر و سلوک عملی و آن همه تلاش در راستای قرار گرفتن علوم قرآنی به مقامات والایی دست یافت چنانکه در

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کمال جلال موم انسانی



■ خانم امین خواستند بگویند که بانوی ایرانی این زمان، بانویی است که از اسلام و دوران عهد اسلام زندگی نوین و واقعی خود را شروع کرده است.

مقام شامخ علمی و معنوی این بانوی فرزانه از اجازه روایت آیه‌الله شیخ محمدرضا نجفی به خوبی استنباط می‌شود که درباره‌ی وی فرموده است: «به این سیده دانشمند و شریف، گوهرگران قدر مستور، گل سرسبد باغ فرزندان زهرای اطهر، بانوی فرزانه، حکیم و عارف کامل ... اجازه دادم که روایت کند از من هرچه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیر و ادعیه و حدیث و فقه.»^۸

نتیجه آن همه تلاش و کوشش علمی که زمینه آن را تقوای علمی و زهد آن بانوی پرهیزگار فراهم کرده بود به طوری بود که حتی دانشمند بزرگ، فقیه اهل بیت و رجال عظیم‌الشأن دنیای اسلام یعنی آیه‌الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (رضوان‌الله تعالی علیه)، از مجتهده امین، در خواست اجازه روایت نمود و ایشان در قسمتی از این اجازه‌نامه که به تاریخ اول محرم الحرام ۱۳۵۸ هجری قمری جهت آیه‌الله مرعشی نوشته، چنین آورده است: «پس از استخاره به ایشان اجازه دادم که روایت کند از من هر چه را که روایتش برای من صحیح است از کتب تفسیر و ادعیه و حدیث و فقه و غیر اینها که از تألیفات شیعه آن چه اصحاب، از غیر شیعه روایت کرده‌اند، به جمیع طرقی که معلوم و در جای خود مضبوط است.»^۹

این مجتهده نه تنها در مسائل علمی و عملی بلکه در

او بیشتر علوم را در خانه و نزد علامه فقیه آیه‌الله سیدمحمد علی نجف‌آبادی و شیخ مرتضی مظاهری فراگرفت. آیه‌الله آقا سید محمد علی نجف‌آبادی از اساتید برجسته بانو امین که این مجتهده گرانقدر، فقه و اصول و حکمت را نزد وی خوانده بود گفته است: «حکمت را دانی‌ام به من درس داد و یکی نیست که من به او درس بدهم. من می‌خواهم به این خانم درس بدهم که از من یادگیری باقی مانده باشد.» زمانی که بانو امین اولین کتاب خود را به نام «اربعین هاشمیه» نوشت و این کتاب به حوزه علمیه نجف رسید و علما از آن استقبال کردند، آیه‌الله آقا سید محمدعلی نجف‌آبادی در تکمیل تشویق‌های علما گفتند: «بانو امین هر چه در این کتاب نوشته‌اند از تراوشات فکری خودشان بوده و ربطی به تعلیمات من ندارد.»^۷

مجتهده سیده نصرت امین توسط تعدادی از آیات عظام و مراجع عظیم‌الشأن زمان خود به درجه اجتهاد و روایت نائل گردید که برخی از آنان عبارتند از مرحومان: آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (مؤسس حوزه علمیه قم)، آیه‌الله العظمی آقا سید محمدکاظم شیرازی، آیه‌الله ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی، آیه‌الله شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی، حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ مرتضی مظاهری نجفی اصفهانی.



توجه به نیازهای جامعه نیز بسیار دقیق بود به طوری که اخلاق و رفتارش در شاگردانش تأثیر عمیقی داشت، دانشگاهی در اصفهان به نام پربرت مکتب فاطمیه تأسیس نمود که تشنگان علم و دانش از آن سیراب می‌گشتند و جا دارد که بگوئیم از این مکتب، دانش پژوهانی پرورش یافتند که بسیاری از آنان امروزه صاحب تألیفات و آثار پراچی هستند. آنچه شاگردان این بزرگوار نقل قول نموده‌اند این است که: «ایشان در عین تواضع و سادگی، دارای جاذبه معنوی و ابهت خاصی بود. کتاب روش خوشبختی را به زبان ساده و شیرین و دلپذیر به عنوان زیربنای معتقدات اخلاقی تدریس می‌نمود، تمام زندگیش در امر تعلیم و تربیت و تحقیق و تألیف و حفظ مکتب خلاصه شده بود. از جمله ابعاد شخصیت این بزرگوار دیانت و اعتماد به نفس بود و به همین دلیل است که پرورش یافتگانش از این فضائل معنوی بهره‌مند

■ اگر علم بدون تزکیه شد، برای انسان غرور و حجاب می‌آورد. پس همانا نفس را تزکیه کنید که بعثت انبیا به همین دلیل بود.

می‌شدند. دانش را رهگشای حیات بشری می‌دانست و عقیده داشت باید از گنجینه‌های گرانقدر بشری استفاده نمود. عشق و علاقه او به قرآن کریم در قالب زبان و بیان نمی‌گنجد و تفاسیر مخزن‌العرفانش در پانزده مجلد خود دلیل این اشتیاق است. «^{۱۰}

مرتبت و موقعیت علمی و عرفانی ایشان به آن جا رسید که اکابر و اعاظمی از علما و عرفا حضور در محضر ایشان را

مایه فیض می‌دانستند. وی در مقام تنها بانوی مجتهد عصر خود قرار گرفت و علماء و افراد زیادی از کشورهای اسلامی برای ملاقات و گفتگو نزد ایشان می‌آمدند. علمای معاصر از جمله آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، علامه آیه‌الله سید محمد حسین طباطبایی، استاد محمدتقی جعفری و اساتید حوزه و دانشگاه نیز با ایشان ملاقات و گفت و شنودهایی داشتند.

یکی از دست‌پروردگان محفل پرفیض بانو امین در باب نظم، تدبیر و عظمت معنوی وی گفته است: «در مورد زندگی خانم امین باید بگویم که در تنظیم وقت ابتکاری عجیب داشتند و چنان اوقات خود را تنظیم می‌کردند که به تمام کارهایشان می‌رسیدند، گویا خداوند به وقت ایشان هم برکت داده بود. هرگز از حوادث نمی‌ترسیدند و در کارها به خدا توکل می‌کردند و از میهمانان با خوشروئی و سادگی پذیرائی می‌کردند. می‌خواستند جوانان را بدون اجبار و با منطق جذب اسلام کنند. اکنون که بهار زندگی را پشت سر گذاشته‌ام در می‌یابم که هیچ محبت و صمیمیتی را به گرمی و پسرنگی مهربانی‌های بی‌ریای ایشان ندیده‌ام و هیچ انگشت محبتی را به شیرینی آن انگشتان که الفبای کلام خدا را به من یاد داد نگرتم. اگر بخواهم ایشان را وصف کنم شاید کتابها شود، اما زبان یارای بیان و قلم یارای نوشتن و کاغذ گنجایش این توصیف را ندارد. باید از آثار این بزرگ بانو استفاده کرد تا بتوان به شخصیت ایشان پی برد. ما را که همه وجودمان ناتوانی بود پر از شور توانستن کرد و ذهن خاموشمان را پر از غوغای خواستن. او سیموغ جانمان را از حسیض ذلت به اوج عزت پرواز داد بنابراین ایشان در خاطرمان جاودانه است.»^{۱۱}

کلیه شاگردان و پرورش‌یافتگان محضر با برکتش به جز جهات علمی و آنچه که مربوط به علوم قرآنی و دانشهای الهی می‌شد در درجه اول درس معرفت می‌آموختند. رفتار و سلوک مجتهد مهم‌ترین مطلبی بود که آنان را جذب خود می‌نمود. از دیگر درس‌آموختگان او آمده است: «اولین برخورد من با ایشان مانند یک بیمار بود در خودم خیلی احساس دردمندی می‌کردم، و احتیاج به طبیب حاذقی داشتم. بیانات و چهره ایشان برای من داروئی بسیار مؤثر بود. این طبیب



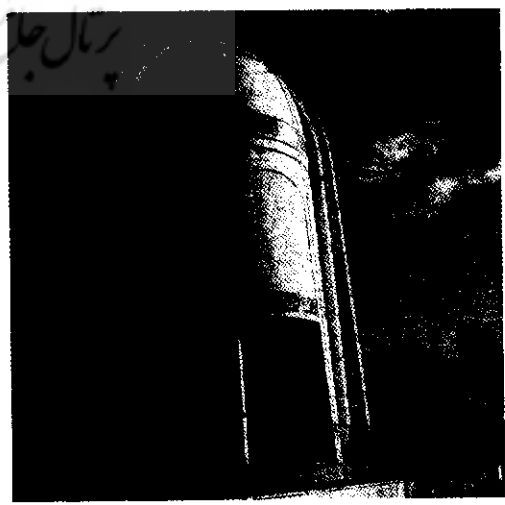
بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وحده . والصلاة والسلام على من لا نبي بعده . وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين
 فان شرف العلم والدين وفضله كبحر الدنيا وشايف الاستقصاء قدوس
 ومن صرف مودة مدبرة عزه وبره كثره دهره في حبه ربيته وسجدته
 النبيه سيرة العادة الفاضلة غرة ناصية حصة واعجمته وبره
 ربيته في ذم دامت تائبها ما بنت الرحمة العفو بسبح سيد محمد وآله الطيبين
 والصلوات طرية . ولقد استجارت نزلها رخصا بعض صنفها في نزل
 الاستبانة القومية الاسلامي وشرح على بعضه ضار وبعده ثبت
 بشه من بعض العلم الثقات انه منها كشف عن ارب فضله وطول جده
 في المنقول والمنقول ورواها رتبة من اتى اليه جهنا وظلها العبد المستبط
 من الحكم على طرية الالوة من العلم والتمه الله على نزه الغنة ابيته والمنة
 العلية وعلها با جهنا ووسر كصق الاحط وقد اخذت لسان
 ترو عن صحته لرواية بطرق المتصلة الا لمنة المفصومين
 صلوات الله عليهم اجمعين والحمد لله رب العالمين واخره في الزمان
 والنيات في حقه ورواها في حقه في حقه في حقه في حقه في حقه
 على شرفها وصوتها ورواها في حقه في حقه في حقه في حقه في حقه
 والحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين
 اجمعين

اجازة اجتهاد حضرت آيت الله العظمى محمد كاظم شيرازي و تصديق
 و اجازة اجتهاد حضرت آيت الله العظمى عبدالكريم حائري يزدي

عارف و حكيم در همان برخوردارهای اولیه بیماریهای مرا
 تشخیص دادند. همانطور که خودشان بیان می فرمودند دارویی
 که طبیب می دهد تلخ است ولی شفایش شیرین است. البته
 مسائل خیلی زیاد است. من برایشان از ناراحتی هایم گفتم و
 ایشان توجه پیدا کردند که من خیلی احتیاج به کمک دارم.
 ایشان قدرت تشخیص داشتند و با یک نگاه عمیق متوجه
 می شدند که طرف چه می خواهد. بعد به من پیشنهاد کردند که
 اگر مایلی کتاب « حقایق » فیض کاشانی را به تو درس بدهم
 چون چندین مرتبه خودم این کتاب را مطالعه کرده ام و می دانم
 که خیلی برای شما مناسب است. من هم قبول کردم و درس
 شروع شد. در کنار آن کتابهای « سیر و سلوک » و « اخلاق » و
 « معاد » هم تدریس می شد. ناگفته نماند ایشان می فرمودند که
 « معاد » فقط و فقط از ذهن خودم سرچشمه گرفته است. آن
 چیزی را که خودم از معاد فهمیدم با قلم روی کاغذ آورده ام و
 مطالب آن را از هیچ جا نگرفته ام. اگر یک روز خدمت ایشان
 نمی رفتم، خدمتکارشان را می فرستادند و می پرسیدند که چرا
 نیامدی ؟ و من به هر طریقی بود خودم را به حاج خانم
 می رساندم. روزی خدمتکارشان آمد و گفت که حاج خانم
 مریض شده اند و گفته اند که خانم غازی را خبر کن. من خدمت
 ایشان رسیدم. گفتند برای من حمد بخوان. گفتم که من قابل
 نیستم برای شما حمد بخوانم. فرمودند : بخوان تا قلب من
 روشن شود. من کنار تختشان نشستم و دستشان را گرفتم و
 شروع به خواندن هفتاد مرتبه حمد کردم. همینطور که حمد
 می خواندم در خود فرو رفته بودم که من قابلیت ندارم،
 خودشان منبع عرفانی و شناخت و موحد حقیقی هستند.
 ناگهان نگاهم به بیرون افتاد. درختان را شاهد گرفتم و گفتم :
 خدایا تو می دانی، در قیامت تمام این درختان شهادت
 می دهند که این شخصیت که الان در این بستر افتاده است در
 شبانه روز چقدر با خدا مناجات داشته است. بعد از این
 احساس کردم که همه درختان حمد می گویند. بدنم شروع کرد
 به لرزیدن. آنچه را مشاهده کرده بودم به حاج خانم گفتم آمی
 کشیدند، دست روی قلبشان گذاشتند و فرمودند که حال خوب
 شد و احساس آرامش می کنم. سپس « انا انزلناه » را خواندند و



از جا برخاستند و فرمودند که قلبت تا اندازه‌ای روشن شده است، مواظب باش آن را کدر نکنی، به دنبالش برو. ایشان بسیار متواضع و فروتن بودند، و با مهربانی و دلسوزی دلشان می‌خواست به همه کمک کنند، کمک فکری، کمک علمی، کمک اخلاقی. روی تحصیلات بالا تأکید داشتند. اما می‌فرمودند علم با عمل، علم با تهذیب، علم با تزکیه. اگر علم بدون تزکیه شد، برای انسان غرور و حجاب می‌آورد، ممکن نیست که انسان بتواند صعود کند، سقوطش حتمی و صددرصد است. می‌فرمودند نفس را تزکیه کنید که بعثت انبیا به همین دلیل بود.»^{۱۲}

■ عشق و علاقه او به قرآن کریم در قالب زبان و بیان نمی‌گنجد و تفاسیر مخزن‌العرفان در پانزده مجلد خود دلیل این اشتیاق است.

«نسب ایشان با سی واسطه به امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام می‌رسید. وی در بیان مقام و موقعیت خاندان عصمت و طهارت و منزلت و جایگاه آنان تلاش می‌کرد، به طوری که عشق و علاقه‌اش به مقام والای ولایت در کتاب مخزن‌اللثالی فی مناقب مولی‌الموالی حضرت علی علیه‌السلام روشن‌گر این حقیقت است، در سخنانش روح صفا و صمیمیت جلوه‌گر بود.»^{۱۳}

بانو مجتهده امین از شیفتگان و معتقدان به انقلاب اسلامی ایران و رهبری عظیم‌الشان آن بود. در این مورد یکی از شاگردان ایشان آورده است: «در سال ۵۹ که حاجیه خانم امین اصلاً نمی‌توانستند از منزل خارج شوند از طریق

تلویزیون در جریان انقلاب قرار داشتند، موقعی که امام - رحمه‌الله علیه - از تلویزیون سوره حمد را تفسیر کردند، شیفته بیان و مطالب امام شده بودند و به من فرمودند که کتابهای امام را داری؟ گفتم بله، فرمودند که بیاور تا مطالعه کنم. کتابها را خدمتشان بردم. روزی بعد از مطالعه کتابهای امام، ایشان به من فرمودند که معرفت امام بالاست و عرفان ایشان به حد اعلای خود رسیده است اگر کسی خواست خدای نکرده تهمتی بزند یا توهینی بکند از قول من بگوئید که بد می‌بیند. مبادا یک وقت خدای ناکرده توهین کنید. چون معرفت ایشان بالاست که می‌توانند این کارهای محیرالعقول را انجام بدهند. حاج خانم خیلی شیفته کتابها و بیانات امام شده بودند: قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری. «^{۱۴} همینطور امام نیز جویای احوال بانوی مجتهده می‌شده‌اند. یکی از روحانیون اصفهان در این خصوص گفته است: «چند مرتبه که حضور حضرت امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه مشرف شدم، ایشان جویای حالات و اشتغالات و سلامتی بانوی مجتهده امین شدند و در مقابل به منزل حاجیه خانم امین که می‌رفتم بانوی ایرانی مقید بودند، برای سلامتی حضرت امام قدس سره و موفق شدن ایشان و پیشرفت در اهداف مقدس اسلامی دعا کنند و ایشان ابلاغ سلام خدمت معظم‌له را ترک نمی‌کردند.»^{۱۵}

آثار و کتابهای قلمی به جا مانده از بانو مجتهده امین - بانوی ایرانی - عبارتند از:

- ۱- تفسیر قرآن مجید به نام «مخزن‌العرفان» در ۱۵ جلد.
- ۲- «نفحات‌الرحماتیه» به زبان عربی مشتمل بر ۹۶ عنوان.
- ۳- «سیر و سلوک» که در روش اولیا و طریق سیر سعداست.
- ۴- «معاد» یا آخرین سیر بشر.
- ۵- روش خوشبختی و توصیه به خواهران دینی و ایمانی.
- ۶- «اربعین هاشمیه» به زبان عربی مشتمل بر مسائل و احکام.
- ۷- «جامع‌الشتات» به زبان عربی مشتمل بر مسائل و احکام.
- ۸- «اخلاق» که در بسیاری از محافل علمی و دانشگاهها تدریس می‌شود.
- ۹- «مخزن‌اللثالی» که در فضائل حضرت امام علی بن



فخر زنان، امینه ما درس عاشقی
 از مکتب امین خدا، مصطفی گرفت
 آن مرجع فضیلت و تقوا به راه علم
 در راهوار عشق مدد از خدا گرفت
 بانوی بانوان جهان شد شفیع او
 گر در کنار کوثر میعاد جا گرفت
 جاوید خانه باد مبارک بر او که خاک
 از آن گل معطر عصمت، صفا گرفت
 * محمدحسین ریاحی: مدرس مراکز آموزش عالی، فرهنگیان
 و تربیت معلم
 بی‌نوشت:



- ۱- مجموعه مقالات و سخنرانیهای اولین کنگره مجتهده امین / ۳.
- ۲- مقدمه اخلاق و راه سعادت، بانوی مجتهد ابرانی، نشر انجمن حمایت از خانواده‌های بی‌سرپرست اصفهان بهار ۱۳۷۱.
- ۳- یادنامه بانو سیده نصرت امین / ۹.
- ۴ و ۵- مجموعه مقالات و سخنرانیهای اولین کنگره (سخنرانی خانم دکتر نیستری) / ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴.
- ۶- مقدمه اخلاق و راه سعادت / ۵.
- ۷ و ۸- یادنامه بانو سیده نصرت امین / ۱۳، ۱۴ و ۲۰.
- ۹- مجموعه مقالات (مقاله محمد الحسون) / ۲۷۴، یادنامه بانو سیده نصرت امین / ۲۲.
- ۱۰- مقدمه سیر و سلوک، در روش اولیاء و طریق سیر سعدا، بانو مجتهده امین اصفهان، ۱۳۶۹ / ۳.
- ۱۱- مجموعه مقالات (سخنرانی خانم غازی) / ۱۲۴.
- ۱۲- همان / ۱۲۸ و ۱۲۹.
- ۱۳- روزنامه اطلاعات شماره ۲۰۰۱۹، مقاله محمدحسین ریاحی نحت عنوان: نظری بر شخصیت و زندگی بانو مجتهده امین صاحب تفسیر محرن‌العرفان / ۷.
- ۱۴- مجموعه مقالات (سخنرانی خانم غازی) / ۱۲۹ و ۱۳۰.
- ۱۵- یادنامه بانو سیده نصرت امین، خرداد ۱۷۱ به نقل از حجة الاسلام و المسلمین سید کمال فقیه ایمانی / ۴۷.
- ۱۶- مجموعه مقالات (مقاله خانم زهرا شجاعی) به نقل از کتاب سیر و سلوک / ۱۰۹.
- ۱۷ و ۱۸- یادنامه بانو سیده نصرت امین / ۲۸.

مجتهدۀ زمان پس از یک عمر خدمت خالصانه و صادقانه در بیست و سوم خرداد ماه ۱۳۶۲ مطابق با اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۳ هجری قمری سر در نقاب خاک کشید و به جوار رحمت الهی شتافت. یاد و خاطره‌اش جاودان و گرامی باد. از درگاه خداوند مسئلت داریم روح پرفتوح او را با اجداد طاهرش محشور فرماید. سزاوار است سروده مرحوم خانم سپیده کاشانی در مورد ایشان را پایان بخش این مقاله قرار دهیم.

خسوف هجر، رخ ماه‌ها گرفت

بانگ رحیل، خاک وطن را فرا گرفت
 اسلام شد به ماتم و رنگ عزا گرفت
 ماهی که نور معرفتش رشک مهر بود
 دامن‌کشان به کنگره عرش جا گرفت
 آیات را نماز بخوانیم دوستان
 زیرا خسوف هجر، رخ ماه ما گرفت
 رخشنده اخترش بشد از کهکشان علم
 در عرش، جا به بارگه انبیاء گرفت
 می‌رفت و داغ لاله فراوان به سینه داشت
 زین خاکدان که مرتبه نینوا گرفت
 گلچین ز شاخه چید، بسی گل در این دیار
 فقدان این گل از چه چمن را فرا گرفت